فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال دوازدهم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸
پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲
صفحات: ۳۳-۱۷
10.52547/mmi.1170.14000512

تحلیلی بر الگوی «خیابان مزار» در شهرسازی دوره تیموری بر اساس مدارک نوشتاری و باستان‌شناسی مجموعه‌های هرات، سمرقند و شهر سبز

شاهین گرکانی دشته* محمد مرتضایی** سید علی فلاح***
محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار****

چکیده

خیابان- مزار، الگویی از مجموعه‌سازی در دوره تیموری است، با فرمی مبتنی بر استقرار ابنیه مقابر، مزارها و بناهای مذهبی، در امتداد یک گذر حومه‌ای و یا یک شریان شهری. مستندات باستان‌شناسی و تاریخی، وجود پنج نمونه از مجموعه‌های خیابان-مزاری در عهد تیموری را گزارش داده‌اند که از میان آنها سه مجموعه؛ شاه‌زنده در سمرقند، دارالسیاده در شهر سبز و خیابان در هرات را می‌توان از شاخص‌ترین نمونه‌های این نوع از مجموعه‌سازی عنوان داشت. خیابان- مزار هرات را نیز به دلیل دارا بودن قدمتی بیشتر و همچنین استقرار بناهایی پرشمارتر نسبت به دو نمونه دیگر، می‌توان به‌عنوان نمونه شاخص این فرم معرفی نمود. در این مقاله ضمن بررسی تحولات ساخت‌وساز در طول محور خیابان هرات در طی دوره‌های آل‌کرت و تیموری، روند تحولات در این محور تبیین می‌شود. سپس، شاخصه‌های خیابان- مزار هرات در پایان عهد تیموری به منظور دست‌یابی به ویژگی‌های کلی مجموعه‌های خیابان- مزاری در این دوره، با دو خیابان- مزار دارالسیاده و شاه‌زنده مقایسه می‌شوند. اطلاعات این مقاله با روش‌های کتابخانه‌ای، مشاهده بصری و تحلیل یافته‌های حاصله گردآوری شده‌اند و پژوهش با روش تحلیلی- تاریخی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که فرم خیابان- مزار در مجموعه‌سازی دوره تیموری، مشتمل بر استقرار منظم ابنیه مقابر در دو سوی معبری بوده که به بنایی مهم در انتهای مسیر منتهی می‌شده است. در این میان، خیابان- مزار هرات با قدمتی بیشتر نسبت به سایر نمونه‌های هم‌دوره خود در نقطه‌ای محوری از حومه شهر هرات قرار داشته و در راستای آن به‌غیر از بنای مقابر، سایر ابنیه مذهبی و خدماتی نیز مستقر بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: خیابان- مزار، هرات، شاه‌زنده، دارالسیاده، تیموریان

* دکترای باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). shaahin.dashteh@gmail.com
** دانشیار، گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. m_mortezayi2008@yahoo.com
*** مربی دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز علمی کاربردی آران و بیدگل. a.fallah@uast.ac.ir
**** دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران. jelodar@ut.ac.ir

مقدمه

ساخت و استقرار مقابر در دو سوی یک محور درون یا برون‌شهری و در پی آن تشکیل بدنه‌هایی تزیین‌یافته در دو طرف یک مسیر، از محبوب‌ترین گونه‌های ساخت مجموعه‌های یادمانی در دوره تیموری محسوب می‌شود. این نوع از مجموعه‌سازی در امتداد یک محور عبوری، چندین و چند بار در شهرهای این عصر تکرار شده و نمونه‌های بسیاری از آن هنوز قابل مشاهده هستند. اساس شکل‌گیری مجموعه در خیابان- مزارها، استقرار ابنیه‌ای در دو سوی یک محور خطی بوده که عمدتاً دارای کاربری تدفینی و مذهبی بوده‌اند. در این خیابان- مزارها، همچون ابواب‌البر دوره ایلخانی، مبنای اساسی احداث ابنیه، مقبره یا بنایی مقدس بوده و عمده کاربری‌های مجموعه، مشتمل بر بناهای تدفینی و عام‌المنفعه بوده است. در اوایل دوره تیموری، تیمور مجموعه‌ای را در داخل شهر سبز پی افکند که مشتمل بر خیابانی بود که در دو سوی آن درباریان تیموری، مقابری برای خود احداث کرده و کالبد پیرامونی خیابان را با صف منظمی از ابنیه مقابر شکل دادند. در انتهای مسیر این خیابان، بنای معظم مدرسه دارالسیاده قرار داشت که مدفن دو تن از پسران تیمور بود (Masson & Pugachenkova, 1980: 128-129). نمونه مشابه بعدی در سمرقند شکل گرفت. این گورستان که با نام شاه‌زنده معروف بود، بر بالای تپه‌های کهن افراسیاب احداث شد. مانند دارالسیاده، در این مجموعه نیز انتظام مقابر در دو سوی یک گذرگاه، محور اصلی مجموعه را تشکیل می‌داد. این مقابر که متعلق به شاهزادگان و بزرگان تیموری بودند، در دو سوی راه و بعضاً در مقابل هم مستقر شده؛ به صورتی که یک خیابان- مزار با بدنه‌ای طراحی‌شده را تشکیل می‌داده‌اند. مسیر این مجموعه نیز در انتها به مقبره قثم بن عباس، پسر عموی پیامبر اسلام (ص) ختم می‌شد (Pugachenkova, 1976 b: 134; گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۱۲-۳۱۰؛ سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۶۶-۱۶۴). در میان مجموعه‌های خیابان- مزاری در عهد تیموری، خیابان- مزار هرات از نظر اهمیت، قدمت و همین‌طور از نظر گستردگی، به‌مراتب جایگاه ویژه‌ای را دارا بوده است. محور خیابان در شهر هرات، در اصل نام منطقه‌ای در شمال شهر بوده که گورهای بسیاری به‌تدریج و در طی سالیان در دو سوی مسیری که از میان آن می‌گذشته است، استقرار یافتند. این محور مزاری، در دوره آل‌کرت، در مقایسه با سایر مزارهای هرات، به محل اصلی استقرار مقابر در شهر تبدیل می‌شود. در دوره تیموری، روند ساخت‌وساز در دو سوی این محور به صورتی انجام می‌گیرد که در انتهای این عهد، این خیابان را از نظر انتظام و استقرار بناهای مذهبی و مقابر در دو سوی آن، می‌توان با مجموعه‌های دارالسیاده و شاه‌زنده مقایسه نمود. با این حال در مقایسه با این دو مجموعه، از ابنیه خیابان هرات، کمترین آثار و بقای فیزیکی که بتوانند این تشابه را تأیید نمایند بر جای نمانده است. بررسی ساختار کالبدی این مجموعه و روشن ساختن نوع استقرار ابنیه در راستای محور آن، همراه با مقایسه این ساختار با دو مجموعه شاخص دیگر این عهد، می‌تواند به تبیین ویژگی‌های خیابان- مزارهای عصر تیموری که تا به حال به آنها پرداخته نشده است کمک نماید.

این پژوهش در پی آن است که با اتکا بر اسناد و کتب تاریخی، گزارش‌های باستان‌شناسی و پژوهش‌های انجام‌شده در مورد خیابان- مزار هرات، روند تدریجی شکل‌گیری ابنیه در محور اصلی خیابان- مزار هرات در محله خیابان را تا انتهای دوره تیموری بررسی نماید و سپس با تبیین شاخصه‌های ساختاری این محور، آن را با سایر محورهای مزاری در عهد تیموری مقایسه کرده و از پی آن، ویژگی‌های شاخص مجموعه‌های خیابان- مزاری در عهد تیموری را تبیین نماید.

مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر این هستند که چه مواردی را می‌توان از الگوهای شاخص در طراحی محورهای مزاری در عهد تیموری برشمرد؟ تحولات در ساخت‌وسازهای قسمت اصلی خیابان- مزار هرات پیش از دوره آل‌کرت تا پایان دوره تیموری، به چه شکل و تحت کدام الگوها صورت گرفته‌اند؟ خیابان- مزار هرات در پایان دوره تیموری به‌عنوان نمونه شاخص خیابان- مزارسازی در این عهد، در مقایسه با سایر محورهای مشابه با آن در این دوره، دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟

پیشینه پژوهش

در میان کتب تاریخی در باب خیابان هرات، سه رساله بیشترین اطلاعات را در مقایسه با سایر منابع در بر دارند. رساله "فصلی از خلاصه‌الاخبار" و "مآثر الملوک" از غیاث‌الدین خواندمیر (۱۳۷۲) (قرون نهم و دهم ه.ق.) که وی در هر دو رساله گزارش نسبتاً روشنی از ساخت‌وسازها در حاشیه این محور و موقعیت آن به‌دست می‌دهد. سومین رساله نیز از اصیل‌الدین عبدالله واعظ (۱۳۸۶) (قرن نهم ه.ق.) است که به جایگاه بعضی از مقابر در خیابان هرات اشاره می‌کند. در حوزه پژوهش‌های امروزی، عمده مطالعات بر پایه پژوهش‌های تاریخی هستند و تعداد بسیار کمی از آنها بر پایه پژوهش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته‌اند. اوته فرانک و توماس اوربن در سال‌های اخیر، کاوش‌هایی در محوطه تاریخی مصرخ یا

کهندژ هرات، واقع در ناحیه شرقی مسیر خیابان انجام داده که نتایج آن بیشتر نشان‌دهنده سابقه سکونت در ناحیه هرات در دوران پیش از اسلام و قرون اولیه اسلامی بوده‌اند (Franke & Urban, 2017; Franke, 2015). تری آلن (1983) نیز بیشتر با اتکا به منابع تاریخی و تا حدودی پیمایش میدانی منطقه، نقشه‌ای از جانمایی ابنیه تاریخی هرات به‌دست داده است. اندیشمند هراتی، فکری سلجوقی (۱۳۴۳؛ ۱۳۸۶) در چند رساله نه‌تنها کتب تاریخی را مورد تحلیل قرار داده، بلکه آنها را با نقل‌قول‌هایی که در افکار عمومی شهر هرات رواج داشته نیز مقایسه کرده است. صابر هروی (۱۳۸۶) هم به‌طور شاخص با بهره‌گیری از همان روش، به جانمایی باغ‌های تاریخی در داخل و حومه شهر هرات پرداخته است. سایر منابع این گروه عمدتاً به دسته‌بندی خصوصیات معماری عهد تیموری و معرفی کلی آثار شهر با اتکا به منابع تاریخی پرداخته (Golombek, 1969; Gammell, 2016; Subtelny, 1991)، در بررسی مجموعه دارالسیاده نیز مطالعات گسترده‌ای توسط ماسون، پوگاچنکوا و رمپل انجام شده‌اند (Pugachenkova, 1976 a; Masson & Pugachenkova, 1978; 1980; Pugachenkova & Rempel, 1965). این سه در چند پژوهش، ضمن بررسی شهر سبز، به مطالعه مجموعه دارالسیاده پرداخته و نوع استقرار مقابر در آن را با مجموعه شاه‌زنده در سمرقند مقایسه کرده‌اند. به‌غیر از این مطالعات، در طی سال‌های اخیر نیز مطالعات باستان‌شناسی گسترده‌ای در محوطه این مجموعه مهم، توسط باستان‌شناسان روس و ازبک در جریان بوده که نتایج این پژوهش‌ها مؤید فرضیاتی است که پیش‌تر توسط ماسون، پوگاچنکوا و رمپل ارائه شده بودند (Kholmatov & Zyrakulov, 2003; Anarbaev et al, 2016). مجموعه شاه‌زنده نیز به صورت گسترده موضوع مطالعه بسیاری از پژوهشگران بوده و اغلب این پژوهش‌ها نیز مبتنی بر مطالعه نوع ابنیه، تزئینات و همین‌طور شناخت سیر تحول شکل‌گیری این مجموعه بوده‌اند (Pugachenkova, 1976 b; Hillenbrand, 2005). فعالیت‌های باستان‌شناسی نیز از سال 1950 میلادی در این سایت تاریخی در جریان بوده که عمده گزارش‌های حاصل از آنها در چندین گزارش و مقاله ارائه شده‌اند (Bulatova, 1965; Nemtseva, 1969; Nemtseva et al, 1977; Atahodjaev, 2006; Nasriddinov, 2006).

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیلی- تاریخی بوده است. روش گردآوری اطلاعات نیز در دو مرحله انجام شده است؛ مرحله اول، مطالعات کتابخانه‌ای، متون تاریخی، سفرنامه‌ها، اسناد، مقالات، گزارش‌های باستان‌شناسی، مشاهده بصری و طرح‌های پژوهشی از آنچه پیش‌تر در رابطه با محتویات کلی موضوع انجام گرفته است. مرحله دوم، مستندنگاری و ترسیم خطوط تحولات خیابان- مزار هرات و فضاهای اصلی آن بر اساس برداشت‌های مطالعات کتابخانه‌ای. در پایان هم تحلیل و انتظام یافته‌های پژوهش در سه لایه تاریخی شامل؛ پیش از دوره آل‌کرت، دوره آل‌کرت و دوره تیموری، با بررسی سیر تحولات تاریخی هر دوره از نظر استقرار ابنیه و مقایسه آن با دو نمونه دیگر به منظور دست‌یابی به مشخصات عمومی خیابان- مزار انجام شده است.

بررسی مجموعه‌های شاه‌زنده و دارالسیاده، دو نمونه مشابه با خیابان- مزار هرات در عصر تیموری بر اساس اسناد تاریخی و مستندات باستان‌شناسی

مجموعه‌های شاه‌زنده در سمرقند و دارالسیاده و دارالتلاوه در شهر سبز، از نمونه‌های خیابان- مزارهایی هستند که در اوایل عهد تیموری در منطقه ماوراءالنهر احداث شده‌اند.

خیابان- مزار شاه‌زنده

شاه‌زنده یک مجموعه‌گورستانی است که بر روی بقایای شهر کهن افراسیاب در حومه سمرقند احداث شده و انتظام مقابر در این مجموعه در راستای دو محور شرقی- غربی و شمالی- جنوبی صورت گرفته است. هر دو محور این مجموعه تا پیش از تخریب شهر کهن به دست مغولان، جزئی از خیابان‌های اصلی سمرقند محسوب می‌شده‌اند. شکل‌گیری هسته اولیه مجموعه نیز در دوره تسلط مغولان بوده و تعلق به حدود قرن پنجم ه.ق. داشته است (Nemtseva et al, 1977: 52-64). در انتهای هر دو محور مجموعه، مقبره قثم بن عباس، پسر عموی پیامبر اسلام (ص)، قرار داشته و محور اصلی اجتماع گورها در گورستان شاه‌زنده محسوب می‌شده است. ساخت‌وساز در پیرامون این مقبره از قرن پنجم ه.ق. با ساخت مدرسه تمقاچ بورله‌خان در جبهه غربی و روبه‌روی مقبره قثم، مسجد یادبود، چسبیده به ضلع جنوبی مقبره (Atahodjaev, 2006: 40-46) و همچنین احداث سه مقبره در ضلع جنوبی مدرسه آغاز شده است (Nemtseva et al, 1977: 52-64). از قرن هشتم هجری و با قدرت‌گیری تیمور گورکان، این گورستان تاریخی مورد توجه اشراف تیموری

قرار گرفته، به‌گونه‌ای که از حدود سال‌های ۷۵۱ تا ۸۶۵ ه.ق. (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۱۲-۳۱۰) در حدود ۲۴ مقبره در راستای دو محور مجموعه و عمدتاً در راستای محور شمالی- جنوبی آن و در سه پلکان یا زینه احداث شده؛ به صورتی که محور فوق به خط اصلی و غالب گورستان تبدیل می‌شود (بلر و بلوم، ۱۳۸۳: ۹۶). بر خلاف سایر خیابان- مزارهای عصر تیموری، بقایای معماری باقی‌مانده از خیابان مزار شاه‌زنده در شمال سمرقند، به‌حدی چشمگیر و پایدار هستند که آنها را می‌توان تنها گواه موجود از خیابان- مزارسازی در عهد تیموری محسوب نمود. امکان بررسی نحوه استقرار ابنیه در طول محور شمالی- جنوبی این مجموعه، که مسیر اصلی ساخت‌وساز در طول دوره تیموری بوده، هم به کمک اسناد تاریخی و هم وضعیت موجود مجموعه و هم کاوش‌های باستان‌شناسی، امکان‌پذیر است. یکی از کهن‌ترین منابعی که گزارش مفصلی از چگونگی استقرار ابنیه در طول این محور داده، متعلق به ابوطاهر سمرقندی (قرن ۱۳ ه.ق.) است؛ او در گزارش خود ضمن پرداختن به نحوه استقرار ابنیه در طول محور شمالی- جنوبی مجموعه، به تشریح شکل ظاهری بناها، نوع استقرارها و تاریخ ساخت آنها نیز پرداخته است (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۶۶-۱۶۴).

کاوش‌های باستان‌شناسی که در اوایل دهه شصت میلادی توسط بولاتوا و سپس به سرپرستی نمتسوا در این سایت تاریخی انجام شدند نیز واقعیات دیگری از چگونگی استقرار ابنیه در راستای این خیابان- مزار را روشن ساختند. این کاوش‌ها نشان دادند که اولین مقابر دوره تیموری در راستای این مجموعه در قسمت شمالی مقبره قثم و در کنار ابنیه کهن‌تر مجموعه احداث شده‌اند. این دو مقبره که امروزه به مقبره خواجه احمد و قتلق آغا معروف هستند، کهن‌ترین مقابر دوره تیموری در شاه‌زنده محسوب می‌شوند (Nemtseva et al, 1977: 65). پس از ساخت دو مقبره فوق، بناهای متعلق به دوره پیشا مغول مجموعه، مانند مدرسه و مقابر قدیمی، تخریب شده تا به جای آنها ابنیه جدیدتری برپا شوند. کاوش‌های دهه پنجاه میلادی گویای آن بودند که ابنیه فوق، در جبهه غربی، محور شمالی- جنوبی و بر روی بقایای ابنیه دوره پیشا مغولی احداث شده‌اند. اولین بنا، مجموعه موسوم به تومان آغا است مشتمل بر مقبره و مسجد که درست در روبروی مقبره قثم قرار دارد. در جنوب آن، مقبره امیر برندق واقع شده که درست بر روی ایوان ورودی مدرسه احداث شده است (Nemtseva, 1969: 49-50). پس از آن نیز مقبره موسوم به الغ‌سلطان بیگم قرار داشته و کمی پایین‌تر نیز مقبره‌ای واقع است که پوگاچنکوا آن را به استاد عالیم، سازنده بنا منسوب کرده و امروزه به مقبره استاد علی نسفی مشهور است (Pugachenkova, 1976 b: 134). در جنوب مقبره فوق، بقایای چهار مقبره دیگر هویدا شدند که همگی متعلق به دوره حکومت تیمور بوده و هنوز گمنام هستند. پیش از رسیدن به مقبره نهایی در این مسیر، در سمت مقابل، در جبهه شرقی خیابان، بقایای دو مقبره دیگر به‌دست آمده که با مقابر راسته غربی به صورت هم‌زمان احداث شده بودند. خط مقابر فوق به صورت پیوسته تا نزدیک بقایای دیوار کهن شهر سمرقند امتداد داشته و در نزدیکی بقایای دیوار فوق، توالی مقابر به پایان می‌رسیده است (Nemtseva et al, 1977: 69). باستان‌شناسان روس بر این عقیده هستند که ابتدای مسیر خیابان- مزار، در زمان تیمور از سمت شمال مقبره قثم آغاز شده و به سمت جنوب امتداد یافته و در پای بقایای دیوار کهن به اتمام می‌رسیده است (Ibid: 68). کاوش‌های بولاتوا در دهه شصت میلادی حاکی از آن بودند که ساخت‌وساز در اواسط حکومت تیمور، به منطقه‌ای که پیش‌تر بقایای دیوار کهن سمرقند وجود داشته کشیده شده و در این زمان، با ساخت چهار مقبره شیرین‌بیکه آغا، شادی ملک، امیر حسین و امیرزاده، که درست بر روی شالوده‌های دیوار کهن احداث می‌شوند، مسیر خیابان از خط سیر مستقیم خود کمی به سمت شرق منحرف شده است (Bulatova, 1965: 270-273). ادامه کاوش‌ها توسط نمتسوا، گویای آن بود که بعد از تیمور و تا پیش از به قدرت رسیدن الغ‌بیگ، چهار مقبره که از نظر سبک ساخت‌وساز مشابه با مقابر دوره تیمور بوده، در راستای محور شرقی- غربی احداث شده؛ مقابر فوق تنها ابنیه‌ای هستند که در دو سوی این محور قرار گرفته‌اند (Nemtseva et al, 1977: 71).

شکل امروزی مجموعه، حاصل توسعه و بازسازی‌هایی است که در زمان الغ‌بیگ انجام شده‌اند. در این دوره، قسمت جنوبی مجموعه که بر روی بقایای شالوده دیوار کهن سمرقند قرار داشت، به وسیله پلکانی به انتهای جنوبی تپه افراسیاب متصل می‌شود. الغ‌بیگ با تعریف مجموعه ورودی که شامل؛ مسجد، حمام (Nasriddinov, 2006: 172-173) و درآیگاه بوده، خط سیر اولیه مجموعه را از سمت شمال به جنوب، به جهت جنوب به شمال تغییر داده است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۳۷). در این زمان، علاوه بر ساخت مجموعه ورودی و سنگ‌فرش شدن کل خیابان، بر روی پلکان جدید مجموعه، مقبره‌ای احداث می‌شود که امروزه آن را با نام مقبره قاضی‌زاده می‌شناسند (Bulatova, 1965: 273)؛ همچنین در ردیف مقابر راسته شمالی- جنوبی، در جبهه شرقی خیابان، در این دوره مقبره‌ای ساخته شده که آن را می‌توان تنها مقبره موجود در مجموعه با

پلان هشت ضلعی نامید (Pugachenkova, 1976 b: 134).

بر مبنای گزارش‌های تاریخی و همچنین مدارک معماری و باستان‌شناسی، می‌توانیم به جانمایی کامل ابنیه در طول این مسیر در دوره تیموری پی ببریم. نحوه قرارگیری مقابر در دو سوی لبه این محور به صورتی بوده که خیابانی باریک را با بدنه‌هایی تزیین‌یافته ایجاد می‌کرده است. این خیابان از ابتدای جنوبی محور اصلی با مجموعه ورودیه الغ‌بیگ آغاز و در نهایت، به مجموعه مقبره قثم بن عباس در شمال محور ختم می‌شده است (تصویر ۱).

خیابان- مزار دارالسیاده

مجموعه گورستانی دارالسیاده در قسمت جنوب شرقی شهر سبز، زادگاه و پایتخت اولیه تیمور، قرار داشته و کلیت این مجموعه مشتمل بر دو قسمت بوده است. قسمت دارالتلاوه را ابنیه‌ای تشکیل می‌داده که در حول یک میدان در ابتدای مسیر ورودی مجموعه واقع می‌شده‌اند. این ابنیه شامل؛ گنبد سیدان، مقبره شیخ کولال، مدرسه دارالتلاوه، مقبره اعقاب الغ‌بیگ و گوک مسجد بوده‌اند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۸۴-۳۷۶). در کنار دارالتلاوه، خیابانی قرار داشته که جزئی از قسمت دارالسیاده به‌حساب می‌آمده است. این خیابان با عبور از میان ردیف مقابر و گورهای اشراف و امرای تیموری که به مانند صف نظامیان در دو سوی راه آراسته بوده، به بنای مدرسه‌ای ختم می‌شده که در محل مقصوره آن دو تن از پسران تیمور به همراه شیخ محمد شیبانی مدفون بوده‌اند (Masson & Pugachenkova, 1980: 128-129). با اتکا به پژوهش‌هایی که ماسون و پوگاچنکوا درباره شهر سبز و مجموعه دارالسیاده و دارالتلاوه انجام داده‌اند و همچنین مجموعه گزارش‌ها از کاوش‌هایی که در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن حاضر در این سایت تاریخی انجام شده، می‌توان تا حدودی به نوع استقرار ابنیه در این خیابان- مزار پی برد. بر مبنای این پژوهش‌ها، میدان دارالتلاوه که در ابتدای مسیر خیابان- مزار قرار داشته، متشکل بوده از میدانی که در یک سوی آن بنای مسجد و در مقابل آن بنای مدرسه‌ای به صورت قاش[1] واقع بوده است. در مقصوره این مدرسه همانند دیگر مدارس دوره تیموری، مقابری برای واقف یا نزدیکان او در نظر گرفته شده که عبارت بوده‌اند از؛ مقابر شیخ کولال، سیدان و پدر تیمور. تا پیش از کشفیات جدید چنین گمان می‌رفته که دور تا دور محوطه این مجموعه را حجره‌های مدرسه دارالتلاوه پوشش می‌داده‌اند (Pugachenkova, 1976 a: 71-92)، اما کشف سه مقبره در جبهه شمال غربی میدان نشان داد که حداقل در جبهه‌های غربی، شمالی (در راستای خیابان) و شرقی میدان، ردیفی از مقابر قرار داشته است. اگر این فرضیه قرین به صحت باشد، باید گفت که دور تا دور محوطه را می‌توان به جای حجره‌های طلاب، جایگاه مقابر دوره تیموری فرض کرد (Kholmatov & Zyrakulov, 2003: 186-187).

قسمت بعدی این مجموعه، خیابان- مزار دارالسیاده است. یکی از اشاره‌های مهم در اسناد تاریخی به خیابان- مزار دارالسیاده را می‌توان در کتاب شرف‌الدین علی یزدی یافت؛ در آن قسمت که او بعد از شرح احداث بنای مقبره دارالسیاده در شهر سبز، به استقرار مقابر در یمین و یسار بقعه اصلی اشاره کرده است (یزدی، ۱۳۸۷: ۷۵۶). بر مبنای این سخن یزدی، ماسون و پوگاچنکوا فرضیه‌ای را مطرح ساختند مبتنی بر این اصل که مجموعه دارالسیاده نیز همچون مجموعه شاه‌زنده،

تصویر	توضیحات
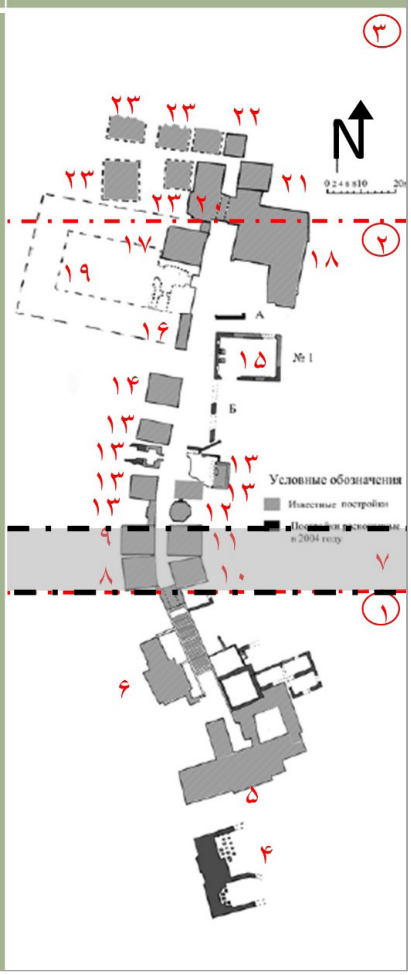	۱.پلکان اول ۲.پلکان دوم ۳.پلکان سوم ۴.حمام الغ بیک ۵.ابنیه ورودی ۶.مقبره قاضی زاده ۷. محدوده دیوار کهن سمرقند ۸.مقبره امیرزاده ۹.مقبره شادی ملک ۱۰.مقبره امیرحسین ۱۱.مقبره شیرین بیک آقا ۱۲.مقبره هشت ضلعی ۱۳.مقابر گمنام قرن هشتم ۱۴.مقبره استاد نسفی ۱۵.مسجد قرن ۴ ۱۶.مقبره الغ سلطان بیگم ۱۷.مقبره امیر برندق ۱۸.مجموعه قثم ۱۹.مسجد تمقاچ ۲۰.مجموعه تومان آقا ۲۱.مقبره قتلق آقا ۲۲.مقبره خواجه احمد ۲۳.مقابر گمنام راسته شرقی- غربی

تصویر ۱. جانمایی مقابر و ابنیه در مجموعه شاه زنده (نگارندگان) (نقشه ترسیمی: Atahodjaev, 2006)

خیابان- مزاری بوده که در آن ردیفی از مقابر در طول مسیر و در دو سوی خیابان قرار داشته است. آنها معتقد بودند که این خیابان از مجموعه دارالتلاوه آغاز می‌شده و به بنای مدرسه دارالسیاده در انتهای مسیر ختم می‌شده است (Masson & Pugachenkova, 1978: 121-125; 1980: 137).

نتیجه کاوش‌ها در طی سال‌های 1986، 1996 و 2001 در محوطه دارالتلاوه و دارالسیاده، مهم‌ترین اسنادی است که فرضیه ماسون و پوگاچنکوا را مبنی بر وجود یک خیابان- مزار تأیید می‌کنند (Kholmatov & Zyrakulov, 2003: 186-187). این اکتشافات که شامل کشف ردیف مقابر در جبهه شمال غربی میدان دارالتلاوه بوده، سویه‌های مبهم نظریه ماسون و پوگاچنکوا را روشن ساختند و سبب شدند که احتمال استقرار ردیفی از مقابر در ابتدای خیابان دارالسیاده از سمت ورودی غربی آن قوت بگیرد. با قوت گرفتن این فرضیه و همین‌طور حضور مقبره امیر شجاع، که پیش‌تر بقایای آن در قسمت شمالی خیابان به‌دست آمده بودند (Masson & Pugachenkova, 1980: 137)، شباهت احتمالی که در فرضیه پوگاچنکوا و ماسون میان خیابان- مزار دارالسیاده و شاه‌زنده به آن اشاره شده بود نیز قابل تأیید است. بر این اساس، می‌توان این خیابان را به صورت ردیفی از مقابر که در دو سوی راه به شیوه جفت‌سازی در کنار هم و قاش‌سازی در روبه‌روی یکدیگر برقرار شده و عابرین را تا بنای دارالسیاده در انتهای راه بدرقه می‌کرد در نظر گرفت (تصویر ۲).

تحلیل ساخت‌وسازها در محور خیابان هرات

سابقه استقرار گورستان در خیابان هرات، به قرون اولیه اسلامی بازمی‌گردد. ویژگی‌های استقرار مقابر در این گورستان تا پیش از دوره مغول را می‌توان در این موارد دسته‌بندی نمود که اولاً سابقه احداث گور در این محوطه از حدود قرن سوم ه.ق. قابل ردیابی است، دوم اینکه انتظام گورها بر اساس مستندات عهد تیموری، در دو سوی شرقی و غربی محور گورستان خیابان بوده است. سومین نکته نیز در عدم وجود ابنیه‌ای مانند مقبره و یا مسجد، مدرسه و خانقاه در کنار مسیر گورستان در این دوره زمانی است. چهارمین و آخرین نکته هم، عدم وجود حد یا مرزی برای تعریف حدود ابتدا و انتهای مجموعه گورستان خیابان در این زمان است.

تحولات رخداده در گورستان خیابان پس از هجوم مغولان و تخریب شهر هرات و در نهایت تا پایان عمر خاندان آل‌کرت در هرات را می‌توان در این موارد دسته‌بندی کرد؛ مورد اول، تعریف یک مرز فیزیکی برای تعیین محدوده ابتدایی گورستان خیابان با احداث دیوار بیرونی شهر هرات در زمان ملک معزالدین حسین کرت (۷۳۲ تا ۷۷۱ ه.ق.) و مورد دوم نیز ساخت اولین ابنیه در مسیر محور گورستان خیابان که مشتمل بر بنای یک خانقاه و دو کله منار بوده است.

با شروع دوره تیموری و پس از پایتخت شدن هرات در زمان شاهرخ، تحولات با شدت و سرعت بیشتری در این محور ادامه می‌یابند. این تحولات را می‌توان در این موارد دسته‌بندی نمود؛ اول، تخریب دیوار معزالدین حسین و برقراری ارتباط معبر خیابان هرات با قسمت جنوبی نهر انجیل، دوم، عدم استقرار حظیره‌ها و مقابر در حدود ابتدایی و انتهایی راه در نزدیکی پل انجیل و پل جوی نو، سوم، احداث حظیره‌ها و

تصویر	توضیحات
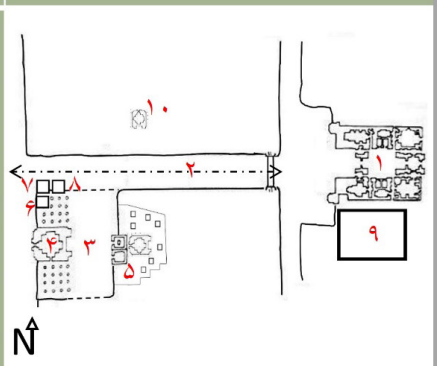	جانمایی ابنیه: ۱.مدرسه ۲. معبر میانی ۳.میدان ۴.گوک مسجد ۵.مدرسه و مقابر ۶.مقبره کشف شده ۱۹۸۶ ۷.مقبره کشف شده ۱۹۸۶ ۸.مقبره کشف شده ۲۰۰۱ ۹.حمام ۱۰.مقبره امیر شجاع
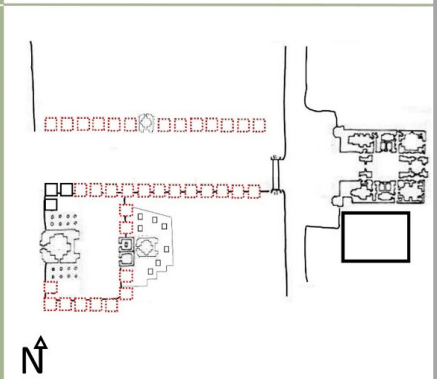	پلان فرضی جانمایی استقرار مقابر در طول مسیر خیابان دارالسیاده و محوطه میدان دارالتلاوه بر اساس کشفیات سال های اخیر
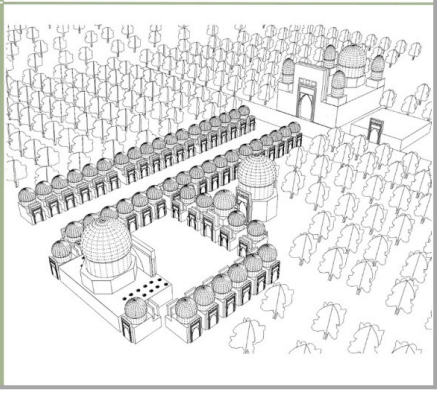	بازسازی سه بعدی مجموعه دارالسیاده و دارالتلاوه بر اساس پلان فرضی

تصویر ۲. جانمایی ابنیه و مقابر در مجموعه دارالسیاده و دارالتلاوه به همراهی مدل سه بعدی بازسازی‌شده (نگارندگان)

مقابر به صورت متمرکز در قسمت میانی خیابان در دو سوی راه، چهارم، ساخت ابنیه مذهبی شامل؛ مدارس، مساجد و خانقاه‌ها در قسمت ابتدای جنوبی راه در نزدیکی پل انجیل، پنجم، ساخت ابنیه مذهبی شامل؛ مدارس، مساجد و خانقاه‌ها در قسمت انتهای شمالی راه در نزدیکی پل جوی نو، ششم، استقرار ابنیه مذهبی بر لبه راه و تشکیل بدنه انتظام‌یافته در دو سوی راه خیابان و هفتم، تعریف حد انتهایی برای مسیر خیابان با احداث بنای عیدگاه هرات.

از میان ۲۶ بنای احداث‌شده در قسمت شمالی محور خیابان هرات، ۹ بنا به‌صراحت دارای کاربری آرامگاه بوده‌اند. در میان ۱۷ بنای دیگر، ابنیه‌ای وجود دارند که علاوه بر داشتن کاربری عام‌المنفعه، مانند مدرسه یا خانقاه، مدفن واقف بنا نیز بوده‌اند. به‌عنوان مثال، امیر علیکه کوکلتاش را در زیر گنبد مدرسه‌ای که در خیابان ساخته بود مدفون ساختند (میرخواند، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۵۴۴۲). به همین نحو، مدرسه امیر فرمان شیخ نیز به‌عنوان مدفن او استفاده شد (همان). با اینکه به دفن امیر چخماق در مدرسه‌ای که او در خیابان هرات ساخت اشاره نشده، اما از عدم تدفین او در مجموعه خود در یزد (افشار، ۱۳۷۴: ۳۲۱) می‌توان حدس زد که او نیز در زیر گنبد مدرسه خود در هرات مدفون شده است. در واقع می‌توان این‌گونه فرض نمود مدارس و خانقاه‌هایی که به نام فرد واقف در طول خیابان هرات احداث شده بودند، مدفن واقف بنا نیز محسوب می‌شوند و به‌نوعی دارای کاربری آرامگاه نیز بوده‌اند؛ که به این ترتیب می‌توان احتمال داد بناهای مدرسه سلطان آغا، خانقاه سلطان آغا، خانقاه سلطان خاتون، مدرسه چهار منار و مسجد منیجه منجمه، مدفن واقفین بنا نیز محسوب می‌شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان ابنیه با کاربری آرامگاه را در راستای خیابان هرات، به تعداد ۱۷ بنا افزایش داد. در ضمن باید توجه نمود سایر ابنیه‌ای که دارای کاربری آرامگاه نبوده، ابنیه‌ای هستند که در ذیل مجموعه‌های آرامگاهی با کاربری خدماتی احداث شده‌اند.

بررسی سیر تحول ساخت‌وساز در محور خیابان- مزار هرات

خیابان- مزار هرات که عمده شهرت خود را به دلیل ساخت‌وسازهای انجام‌شده در دوره تیموری به‌دست آورده، پیشینه‌ای بسیار طولانی در این شهر داشته است. برای رسیدن به درک درستی از چرایی تحولات در خیابان- مزار هرات در عصر تیموری، نیاز است که پیشینه محله خیابان در شهر هرات به‌عنوان خاستگاه اصلی این خیابان- مزار مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه خیابان هرات

منطقه‌ای که شهر هرات و حومه اطراف آن را تشکیل می‌داده، از چندین بلوک یا ناحیه زیستی تشکیل می‌شده است. یکی از بزرگ‌ترین این نواحی، بلوک انجیل بوده و شهر هرات به‌طور کامل در داخل این بلوک قرار داشته است. حدود بلوک انجیل از رود هری که در جنوب هرات قرار داشته آغاز شده و در سمت شمال به نهر انجیل می‌رسیده است (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۱۸). نهر انجیل، آبراهی دست‌ساز بوده با کشیدگی از شرق به غرب، بلوک خیابان، که منطقه بزرگ خیابان در آن واقع بوده است، از شمال نهر انجیل آغاز شده و در شمال به نهری با نام جوی نو، که آن هم به موازات نهر انجیل جریان داشته، ختم می‌شده است (همان: ۲۱). کهن‌ترین اشاره به نام خیابان، متعلق به اوایل قرن پنجم و سال ۴۳۰ ه.ق. است. در این سال، بیهقی در موضوع استقرار لشکریان سلطان محمود غزنوی در شمال هرات گفته: «هرات شهری است [...] پسِ عید لشکر عرض کرد امیر به دشتِ خدابان و هرکس که نظاره آن روز بدید اقرار داد که به هیچ روزگار چنین لشکر یاد ندارد» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۶۰۳). او از بلوک خیابان با نام "خدابان"[۲] نام آورده و آن را دشت وسیعی عنوان داشته که لشکریان غزنوی در آن اتراق کرده‌اند. در کتاب فامی هروی (قرن پنجم ه.ق.)، گزارشی متعلق به قرن سوم هجری، پیش از عصر غزنویان موجود است. فامی در این گزارش از میدانی سخن گفته که محمد نوله از امرای یعقوب لیث صفاری (قرن سوم ه.ق.) در محله خیابان احداث نموده است (فامی هروی، ۱۳۸۷: ۶۶). گزارش او حکایت از آن دارد که محله خیابان پیش از عهد غزنویان، به‌عنوان محل سکونت و ساخت‌وساز مطرح بوده و استقرار لشکریان غزنوی می‌باید در سمت دیگر خیابان که خالی از سکنه بوده است رخ داده باشد. درست در عهد فامی هروی، خواجه عبدالله انصاری (قرن پنجم هجری) در حدود سال ۴۸۱ ه.ق. در کتاب خود به خیابان با لفظ "خدابان" اشاره کرده است (انصاری هروی، ۱۳۸۶: ۵۲۲).

سابقه استقرار گورستان در خیابان هرات

در ناحیه خیابان ضمن وجود باغات و مزارع و محلات مختلف، گذرگاهی شمالی- جنوبی واقع بوده که در عین ایجاد دسترسی میان جاده تجاری شمال هرات و شهر، مکانی برای دفن مردگان نیز به‌حساب می‌آمده است. مقابر مردگان در طول این مسیر در حاشیه دو سوی راه واقع می‌شده‌اند. کهن‌ترین گزارش در رابطه با استقرار مقابر در ناحیه خیابان، متعلق به خواجه عبدالله انصاری است که می‌گوید: «لیث پوشنجه [..] گفت: از پوشنگ بیامدم به هرات [..]به خدابان

می‌گذشتم بر گورستان، زنی بر گوری نشسته بود» (همان). همچنین در مورد گور لیث پوشنجه می‌گوید: «گور لیث به خدابان اماست» (انصاری هروی، ۱۳۸۶: ۵۲۳). عبدالله واعظ نیز در کتاب خود به محل گور لیث پوشنجه در خیابان و پشت جوی انجیل اشاره کرده است (واعظ، ۱۳۸۶: ۲۲). همچنین او به گورهای کهن دیگری در گورستان خیابان، متعلق به پیش از قرن پنجم ه.ق. در کتاب خود اشاره دارد؛ مانند گور "امام عثمان دارانی" متعلق به سال ۲۸۰ ه.ق. (همان: ۱۹) یا "محمد بن عثمان دارانی" که وی نیز در کنار پدر خود در خیابان به سال ۳۳۰ ه.ق. مدفون شده است (همان: ۲۱)، یا گور "شیخ عمار سجستانی" متوفی به سال ۴۲۲ ه.ق. در خیابان (همان: ۲۸). در کنار این قبرهای قدیمی، واعظ به چندین گور که هم‌زمان با لیث فوشنجه در خیابان احداث شده نیز اشاره می‌کند؛ مانند گور "شیخ محمد گازر" که او را از مریدان لیث فوشنجی معرفی کرده و مدفن وی را در خیابان هرات، معروف و مشهور می‌داند (همان: ۲۲). همچنین "شیخ ابومنصور سوخته" که به گزارش عبدالرحمن جامی، هم‌عصر با عبدالله انصاری بوده (جامی، ۱۳۷۰: ۳۴۴) و بنابر گفته واعظ، مقبره او در گورستان خیابان واقع بوده است (واعظ، ۱۳۸۶: ۳۳). در گزارش‌های واعظ، محل استقرار گورهای کهن در قسمت‌های شرقی یا غربی راه مشخص نشده است و نسبت آنان با گذرگاه خیابان هرات مشخص نمی‌شود. تنها از روی گزارش‌های مورخین عهد تیموری می‌توان دریافت که مقابر و گورها در طول خیابان هرات در دو سوی راه مستقر بوده‌اند. به‌عنوان مثال، میرخواند (قرن نهم) می‌گوید: «و مزارات اکابر و مشایخ و علما و صلحا در آن موضع متبرک بسیار است و حظایر و بقاع در یمین و یسار آن بی‌شمار» (میرخواند، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۱۹). تری آلن نیز که مطالعات میدانی و تاریخی در موضوع شهر هرات انجام داده، استقرار گورها در ناحیه خیابان و در دو سوی مسیر خیابان را مشخص نموده است (Allen, 1983: 94). به این صورت، این‌گونه می‌توان دریافت که استقرار گورستان در ناحیه خیابان از قرن سوم هجری سابقه داشته است و مقابر این گورستان تاریخی در راستای گذرگاهی قرار می‌گرفته‌اند که از ابتدای شمالی جوی انجیل آغاز می‌شده و پس از رسیدن به جوی نو در مرز شمالی خیابان، به جاده تجاری که در شمال شهر قرار داشته متصل می‌شده است.

تحولات در محور خیابان- مزار هرات در دوره مغول و آل‌کرت

بنابر تقریر سیف هروی (قرن هشتم ه.ق.)، پس از فتح هرات (۶۱۸ ه.ق.)، مغولان تمامی اهالی شهر را کشته و دیوارها و ابنیه آن را نیز تخریب می‌کنند (هروی، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۱۰). در سال ۶۳۴ ه.ق. به فرمان اوگتای، خان مغول، بازسازی شهر هرات آغاز می‌شود و با روی کار آمدن خاندان آل‌کرت (۶۴۵ ه.ق.) سرعت می‌گیرد. سیف هروی خیابان هرات را هفتاد و پنج سال پس از سلطه مغولان، در زمان حکومت ملک فخرالدین کرت (۷۰۵ تا ۷۰۷ ه.ق.)، این‌گونه توصیف می‌کند: «و در مزارات و مقابر چون گازرگاه و خیادوان و مسرق و خواجه ابوالولید و[...] ختم قرآن فرمود» (همان: ۴۶۲). این گزارش با وجود کوتاه بودن نشان‌دهنده این امر است که در این دوره، گورستان خیابان هنوز فعال بوده و جزو گورستان‌های اصلی هرات محسوب می‌شده است. تا شروع عصر حکمرانی ملک معزالدین حسین کرت (۷۷۱-۷۳۲ ه.ق.)، گزارش دیگری که گویای تحولات در خیابان هرات باشد دیده نمی‌شود. در این دوره، بنابر گزارش اسفزاری (قرن نهم ه.ق.)، ملک معزالدین با احداث دیوار وسیعی که بخشی از حومه هرات را در بر می‌گرفته است، عملاً خیابان هرات را از حومه‌های شمالی شهر، واقع در حد فاصل دیوار کهن هرات و جوی انجیل جدا می‌کند. حد شمالی این دیوار، درست از ابتدای محله خیابان و جوی انجیل آغاز می‌شده است (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۷۷). تا پیش از ساخت این دیوار، معبر خیابان هرات با پیوستن به معبری که هم‌راستا با آن در جنوب نهر انجیل واقع بود، به دروازه ملک در شمال شهر متصل می‌شده است. احداث دیوار سبب می‌شود تا اتصال خیابان هرات تا دروازه ملک دچار انسداد شود و این دو معبر نیز عملاً به دو قسمت مجزا از یکدیگر تبدیل می‌شوند.

از دیگر اقدامات ملک معزالدین حسین در خیابان هرات، ساخت خانقاهی در گورستان خیابان است (هروی، ۱۳۸۵: ۷۴۵). تری آلن جایگاه این خانقاه را در سمت شرقی خیابان، در نزدیکی پل جوی نو و در کنار خانقاه ملک غیاث‌الدین، که پیش‌تر ساخته شده، جانمایی کرده است (Allen, 1983: 94). با اینکه در منابع تاریخی به خانقاه ملک غیاث‌الدین در حومه شمالی هرات اشاره شده، اما این گزارش‌ها بر خلاف نظر تری آلن، جایگاه آن را در جنوب جوی انجیل و نزدیک به باغ سفید، در شمال شرقی دیوار کهن هرات تعیین می‌کنند (هروی، ۱۳۸۵: ۷۴۵؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۵۰۷). خانقاه احداث‌شده توسط ملک معزالدین نیز نمی‌تواند در محل

ادعایی آلن واقع باشد. گزارشی که عبدالله واعظ در اواسط دوره تیموری ارائه داده است، در این مورد می‌گوید: «ملک معزالدین حسین کرت جهت مریدان شیخ[شهاب‌الدین بسطامی] خانقاه بنا کرده در خیابان[...] رحلت [شیخ شهاب‌الدین] در آخر سال ۸۰۷ ه.ق.[...] و مدفنش در خیابان در حظیره امام فخرالدین رازی است» (واعظ، ۱۳۸۶: ۷۰). مزار شیخ بسطامی به‌احتمال می‌باید در نزدیکی خانقاه او احداث شده باشد و بر این اساس، این خانقاه نیز می‌بایست در سمت غربی راه خیابان، بین جوی انجیل و جوی نو، در نزدیکی حظیره فخر رازی واقع بوده باشد (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۶۸-۶۶) و نه در شمال شرقی خیابان و نزدیک به پل جوی نو.

ارزیابی اسناد تاریخی گویای این نکته است که هم‌زمان با بازسازی شهر هرات و شکوفایی دوباره آن در دوره آل‌کرت (۶۴۳ تا ۷۸۳ ه.ق.)، ساخت‌وساز در حومه شمالی آن رونق گرفته و به دنبال آن، با احداث دیوار دوم بر گرد شهر، این حومه بازسازی‌شده هر چه بیشتر با شهر اصلی مرتبط شده است. در طرف مقابل، احداث این دیوار، نواحی بلوک خیابان را هر چه بیشتر به حاشیه رانده و بر پررنگ‌تر شدن نقش گورستانی محور خیابان هرات در شمال نهر انجیل تأثیرگذار بوده است.

اوته فرانک که سرپرستی پروژه باستان‌شناسی در هرات را بر عهده داشته، از کمبود آثار یافت‌شده متعلق به دوره آل‌کرت در داخل شهر کهن و حومه شمالی گزارش داده است. بر اساس گزارش او، از این دوره تنها آثار بسیار اندکی نظیر سنگ قبر و چند نمونه تزئینات معماری به‌دست آمده‌اند. وی اشاره می‌کند که به دلیل تجمع اسکان شهری در محل‌هایی که گمان می‌رود حدود استقرار ابنیه و آثار متعلق به دوره آل‌کرت باشند، نمی‌توان به‌سهولت حفاری‌هایی را در جهت روشن شدن جایگاه این ابنیه ترتیب داد (Frnake, 2015: 74). با این حال، شاید یکی از تنها نشانه‌های فیزیکی از گورستان هرات، که از دوره پیش از تیموری بر جای مانده و نقش بسیار شاخصی در تعیین حدود خیابان هرات دارد،

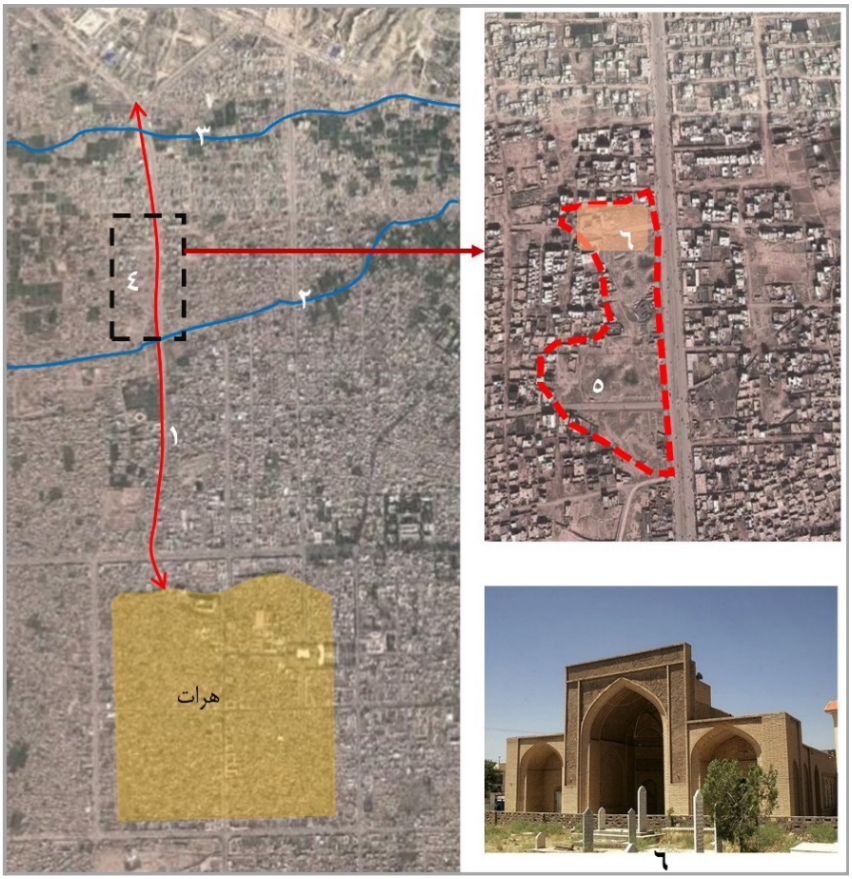

تصویر ۳. موقعیت امروزی خیابان هرات در شمال هرات و بقایای گورهای باقی‌مانده در طول این محور توسط نگارندگان(URL: 1)

توضیحات: ۱. مسیر امروزی خیابان هرات (خیابان شهزادگان) ۲. جوی انجیل ۳. جوی نو ۴. حظیره فخر رازی و مزارهای اطراف آن ۵. محوطه خالی در کنار خیابان که جایگاه پیشین مزارهای اطراف حظیره فخر رازی بوده ۶. ساختمان و محل کنونی حظیره فخر رازی

حظیره فخر رازی در میانه مسیر خیابان هرات باشد. با اینکه بنای این مجموعه به‌طور کامل در دوره معاصر بازسازی شده است (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۶۸)، اما عکس‌های هوایی نشان‌دهنده آن هستند که حظیره فوق در میانه راه خیابان قرار داشته و پایداری مکان آن تا به امروز و استقرار مجموعه‌ای از گورها و مزارها در نزدیکی آن، گویای اهمیت استقرار گورها در این نقطه، از پیش از دوره تیموری است (تصویر ۳).

تحولات در محور خیابان- مزار هرات در دوره تیموری

تیمور در سال ۷۸۳ ه.ق. در طی محاصره‌ای طولانی، هرات را فتح و حصار بیرونی آن را به‌طور کامل تخریب می‌نماید، به صورتی که بقایای حصار بیرونی شهر را درون خندق می‌ریزد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۴۰). بعد از فتح شهر، دوره سلطه تیموریان بر هرات آغاز شده و تا سال ۹۱۳ ه.ق. تداوم می‌یابد. در طی دوره تیموری، ابنیه فراوانی در محور خیابان هرات در حد فاصل میان پل انجیل تا پل جوی نو احداث شده‌اند. اگر بخواهیم بر مبنای تقدم و تأخر قدمت به بررسی استحداثات و نوع استقرار ابنیه در این حدود بپردازیم، ایجاد یک تصویر شفاف از جانمایی ابنیه در راستای خیابان به‌سختی میسر خواهد بود. از طرفی اگر هم بخواهیم بر مبنای گزارش‌های مختلف، ابنیه این محور را به ترتیب از جنوب به سمت شمال نام ببریم، با مشکل تناقض گزارش‌ها در جانمایی آثار مواجه خواهیم شد و در نتیجه، باز هم تصویر گنگ و درهم از صورت خیابان به‌دست خواهد آمد. از آنجایی که هیچ صورت فیزیکی از ابنیه این قسمت از خیابان به‌طور کامل به زمان ما نرسیده و همین‌طور فعالیت‌های باستان‌شناسی به منظور کشف آثار در زیر بستر منطقه خیابان به دلیل قرارگیری شهر کنونی هرات بر روی آن میسر نیست، در این قسمت، گزارشی که غیاث‌الدین خواندمیر (قرون نهم و دهم ه.ق.) از مورخین اواخر دوره تیموری در کتاب "مآثر الملوک" در قسمت انتهای رساله "خلاصه الاخبار فی احوال الاخیار" آورده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸-۱۹۵) را مبنای شناسایی ابنیه امتداد خیابان قرار داده‌ایم. خواندمیر در این گزارش که به بیان ابنیه حومه شمالی هرات اختصاص دارد، ساخت‌وسازهای طول خیابان هرات را از محل دروازه ملک تا عیدگاه هرات (بعد از پل جوی نو) به ترتیب ذکر می‌کند. یکی از نقاط ضعف در گزارش خواندمیر این است که او به هیچ‌وجه محل قرارگیری ابنیه را نسبت به محور خیابان بیان نداشته و تنها به ذکر حدودی کلی مانند؛ "سرخیابان" یا "سر پل جوی نو" بسنده کرده است. از این‌رو، برای درک حدود جانمایی ابنیه می‌بایست متن خواندمیر را با سایر گزارش‌های هم‌زمان و همچنین پژوهش‌های امروزی مقایسه نمود.

در بررسی این گزارش، از پرداختن به ابنیه‌ای که در قسمت جنوب جوی انجیل واقع است پرهیز کرده و تنها ابنیه واقع در بلوک خیابان را مورد بررسی قرار خواهیم داد. اولین بنایی که خواندمیر پس از جوی انجیل به آن می‌پردازد، مجموعه اخلاصیه از استحداثات امیرعلی شیر نوایی، وزیر سلطان حسین بایقرا است. این مجموعه بر اساس گزارش او بعد از خانقاه و مدرسه سلطان حسین، که او پیش‌تر در گزارش خود به آن اشاره کرده، قرار داشته است. خواندمیر در این رابطه می‌گوید: «دیگر از ابنیه[...] مسجد جامعی است که[علی شیرنوایی] محاذی منزل شریف خویش ساخته‌اند[...] و در شمال این بقعه دارالحفاظی [...] در جانب جنوبی این مسجد، دارالشفائی[...] ساخته [....] از جمله عمارات خانقاه اخلاصیه و مدرسه اخلاصیه است [..] قریب به دارالشفاء مذکور[که] آب[..] انجیل [..]در میان آنها جریان دارد» (همان: ۱۹۵). از این شرح تنها می‌توان حدودی کلی از جانمایی ابنیه به‌دست آورد. خواندمیر در کتاب "مکارم‌الاخلاق"، محل استقرار ابنیه را روشن‌تر ذکر کرده: «مدرسه اخلاصیه در کنار نهر انجیل[..] ساخته شده[....] خانقاه اخلاصیه در محاذی مدرسه مذکور[..] تعمیر یافته[....] شفائیه در جانب غربی مدرسه مذکور[...] تعمیر یافته[.....] حمامی در محاذی شفائیه ساخته‌اند[....] در درون باغ مرغنی مسجدی[..] ساخته» (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۶-۶۳). امیرعلی شیر نوایی (قرن نهم هجری) نیز در وقف‌نامه مجموعه، جانمایی آن را این‌گونه بازگو می‌کند: «کوشک مرغاب در میانه حد جنوبی این باغچه[باغ مرغنی] واقع بود[...]به جای آن مدرسه و مسجدی بنا نهادیم و در طرف شمالی مسجد گنبدی ساخته[....] و آن را دارالحفاظ می‌نامند[....]در مقابل این مدرسه اخلاصیه در حد جنوبی شارع عام خانقاهی ساخته شد» (نوایی، ۱۳۲۳: مقدمه).

کلیات مجموعه اخلاصیه بر اساس نظریات اوا سابتلنی و تری آلن، در قسمت شرقی مسیر و در ابتدای راه خیابان در شمال و جنوب نهر انجیل قرار داشته‌اند (Allen, 1983: 94; Subtelny, 1991: 45-46). با انطباق گزارش‌های تاریخی ذکرشده نیز می‌توان به موقعیت قرارگیری ابنیه در درون مجموعه اخلاصیه پی برد؛ به این ترتیب که کوشک در شمال مجموعه قرار داشته و در روبه‌روی آن در سمت جنوبی، دارالحفاظ و در جنوب دارالحفاظ، مسجد واقع بوده است. دارالشفا در جنوب مسجد احداث شده و در غرب دارالشفا، مدرسه اخلاصیه قرار داشته است. همگی ابنیه فوق‌الذکر در

کناره شمالی نهر انجیل واقع بوده‌اند. در سمت مقابل آنها در جنوب نهر، حمام در روبه‌روی دارالشفا و خانقاه نیز در غرب حمام در روبه‌روی مدرسه قرار داشته است.

گزارش خواندمیر این‌گونه ادامه می‌یابد: «مدرسه بدیعیه[....]حظیره بی‌بی‌محب[...] حظیره سلطان احمد چوگانچی: در برابر بقعه مذکور واقع است» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵). بر طبق ترسیم تری آلن، مدرسه بدیعیه که از آثار بدیع‌الزمان میرزا، فرزند سلطان حسین بوده، در شرق مجموعه اخلاصیه قرار داشته است (Allen, 1983: 26). با این وجود، منبع جانمایی آلن در کتب تاریخی قابل ردیابی نیست و مدرسه را می‌توان حتی در امتداد شمالی مجموعه اخلاصیه نیز جانمایی نمود. صابر هروی در کتاب خود به موقعیت باغی در روبه‌روی اخلاصیه در غرب خیابان با نام "آستانه" اشاره داشته است. او این باغ را از آثار کهنی می‌داند که در زمان حسین میرزا بازسازی شده است (صابر هروی، ۱۳۸۶: ۷۴). حظیره بی‌بی محب، از آثار دوره حسین میرزا بایقرا (Allen, 1983: 77)، بر مبنای گزارش خواندمیر، بعد از اخلاصیه و احتمالاً در شمال آن واقع بوده است. آلن، جایگاه این حظیره را در سمت شرقی خیابان معین می‌کند (Ibid: 94). در ترسیم آلن، حظیره چوگانچی پیش از حظیره بی‌بی محب و در همان قسمت شرقی خیابان جانمایی شده است (Ibid). مبنای ترسیم آلن مشخص نیست، اگر بخواهیم ترتیب فهرست خواندمیر را که از ابتدای مسیر به ذکر ابنیه پرداخته بپذیریم، بنای حظیره چوگانچی می‌بایست بعد از حظیره بی‌بی محب واقع باشد و از آنجایی که خواندمیر این دو بنا را در روبه‌روی یکدیگر ذکر کرده، این احتمال را می‌توان قوی‌تر دانست که بر اساس اصل قاش‌سازی دو بنا در معماری دوره تیموری (Pugachenkova, 1976 b: 90)، بنای حظیره چوگانچی در غرب خیابان و روبه‌روی حظیره بی‌بی محب واقع بوده است.

گزارش خواندمیر این‌گونه ادامه می‌یابد: «عمارت سرمزار[فخر رازی][...] مدرسه چهار منار، بنا کرده مرحومه خانم بیگم است[....]حظیره مهد عفت شعار، فیروزه سلطان بیگم[...] از سایر بقاع خیابان ممتاز و مستثنی است» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸). مقبره فخر رازی، از آثار معدود برجای‌مانده از دوره تیموری است که در زمان معاصر کاملاً بازسازی شده است (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۶۸). این بنا در میانه راه خیابان و در غرب مسیر واقع است. حظیره فخر رازی، مجموعه بزرگی محسوب می‌شده و مقابر بسیاری در محوطه آن قرار داشته‌اند. از این مقابر، بعضی دارای گنبد بوده مانند؛ مقبره لطف‌الله واعظ و مقبره یوسف حلاج (واعظ، ۱۳۸۶: ۷۵) و سایرین نیز فاقد بنای مشخص بوده‌اند مانند؛ گور سید یونس (همان: ۷۶)، گور جلال‌الدین افتخار (همان: ۷۴) و گور مولانا عبدالقهار (نوایی، ۱۳۲۳: ۳۱). در مقابل، حظیره‌های دیگری نیز در سمت شرقی خیابان و تقریباً در برابر حظیره فخر رازی احداث شده‌اند. احتمالاً خواندمیر به این حظیره‌ها به این دلیل که دارای بنای مقبره نبوده و یا کاملاً در لبه خیابان قرار نداشته‌اند، اشاره‌ای نکرده است مانند؛ حظیره پیر صدساله در شرق خیابان (واعظ، ۱۳۸۶: ۷۵)، مقبره امیر آق‌بوقا در شرق خیابان (Allen, 1983: 94)، مقبره محی السته در شرق خیابان (Ibid) و مزار باباحسین ابدال ترک در شرق خیابان (Allen, 1983: 63-65).

بعد از مزار فخر رازی، خواندمیر به مدرسه چهار منار اشاره دارد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸) که می‌توان جایگاه آن را در کنار مجموعه فخر رازی فرض کرد. آلن نیز جایگاه این مدرسه را چسبیده به ضلع شمالی مقبره فخر رازی مشخص کرده است (Allen, 1983: 63-65). در جانمایی گنبد مقبره فیروزه سلطان، مادر سلطان حسین میرزا، در دو منبع دو نظر متفاوت ذکر شده؛ آلن جایگاه آن را در غرب حظیره فخر رازی آورده و از لبه خیابان دور دانسته است (Ibid)، سلجوقی نیز جایگاه آن را در شرق مقبره فخر رازی ذکر می‌کند (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۷۳). از آنجایی که این مقبره متعلق به مادر سلطان بوده و در اکثر منابع نیز به جایگاه ویژه آن در خیابان و نزدیک به مقبره فخر رازی تأکید شده است (میرخواند، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۶۹۲؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۳۳۲)، این بنا می‌بایست در لبه خیابان و در یکی از نقاط مهم راه واقع بوده باشد. بر این مبنا، قول سلجوقی را باید به واقعیت نزدیک‌تر دانست و مکان مقبره مادر سلطان را در شرق خیابان و تقریباً روبه‌روی مقبره فخر رازی فرض نمود.

خواندمیر گزارش خود را این‌گونه ادامه می‌دهد: «مدرسه امیر فرمان شیخ[...]مدرسه امیر چخماق شامی[..]خانقاه و جماعتخانه سر مزار تبادگانی[...]مدرسه سلطان آغا[...] خانقاه سبز سر خیابان از عمارات ملک حسین کرت[....] خانقاه سلطان خاتون[..] مدرسه و خانقاه امیر علاءالدین کوکلتاش[...] مسجد جامع منیجه منجمه[...] مدرسه حضرت مخدومی[عبدالرحمن جامی][...]ایوان عیدگاه هرات» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

تری آلن تمامی عمارات فوق را تا مدرسه جامی در قسمت شمال شرقی خیابان و در نزدیکی پل جوی نو جانمایی کرده است؛ به‌طوری که اکثر بناها به دلیل کمبود جا بدون قرارگیری در لبه خیابان در پشت سر هم جای گرفته‌اند (Allen, 1983: 94). اگر بپذیریم که خواندمیر در بیان ابنیه این گزارش، تنها

به ذکر ساختمان‌هایی که در لبه خیابان قرار داشته پرداخته، و به سایر ابنیه دیگر و مقابری که فاقد عمارت بوده‌اند اشاره نکرده است، پس این جانمایی آلن نمی‌تواند مبنای روشنی داشته باشد. اگر بخواهیم فرضیه‌ای جدید در مورد جانمایی این ابنیه مطرح کنیم، باید تاریخ ساخت بناهای این گزارش را مورد توجه قرار دهیم. بر اساس فهرستی که آلن در انتهای کتاب خود آورده، می‌توانیم سال ساخت این بناها را به ترتیب گزارش خواندمیر این‌گونه بازگو نماییم که مدرسه فرمان شیخ (۸۳۱ ه.ق.)، مدرسه امیر چخماق (۸۳۳ ه.ق.)، خانقاه و مزار تبادگانی (۸۴۴ ه.ق.)، خانقاه سلطان آغا (۸۵۵ ه.ق.)، خانقاه ملک معزالدین (۷۳۲ ه.ق.)، خانقاه سلطان خاتون (۷۸۳ ه.ق.)، مدرسه و خانقاه امیرعلیکه کوکلتاش (۸۴۴ ه.ق.)، مسجد جامع منجمه (۹۰۵ ه.ق.) و مدرسه جامی (۹۰۵ ه.ق.) (Allen, 1983: 73-79). تسلسل تاریخ ساخت بناها در این لیست، دو بار از یک بنای کهن به ترتیب به سوی بناهای متأخرتر حرکت می‌کند؛ در مرتبه اول، از مدرسه فرمان شیخ در ابتدای لیست تا خانقاه سلطان آغا و در مرتبه دوم، از خانقاه ملک معزالدین در میانه لیست تا مدرسه جامی. فرضیه‌ای که می‌توان بر مبنای این دو خط جداگانه تاریخی در گزارش خواندمیر تصور کرد این است که دسته اول ابنیه یعنی از مدرسه فرمان شیخ تا خانقاه سلطان آغا، به ترتیب در کنار یکدیگر و در یک سوی خیابان احداث شده و ابنیه ادامه لیست نیز به همین ترتیب در سوی مقابل آنها در کنار خانقاه ملک معزالدین تا پل جوی نو ساخته شده‌اند. به همین دلیل بوده که خواندمیر ذکر بناهای این قسمت از خیابان را به صورت دو سیر تاریخی مجزا بیان داشته است. اگر این فرض را مبنا قرار دهیم، برای یافتن سمت و سوی قرارگیری ابنیه تنها نیازمند به دانستن جایگاه یکی از آنها هستیم. از میان بناهای فوق، جایگاه خانقاه ملک معزالدین تا حدودی بر ما مشخص است. بنابر گفته واعظ، احتمال قرارگیری این بنا در شمال حظیره فخر رازی در غرب خیابان، بیشتر از نقاط دیگر است (واعظ، ۱۳۸۶: ۷۰). پس بنابر این فرضیه، ترتیب قرارگیری این ابنیه از میانه مسیر خیابان تا پل جوی نو بدین صورت بوده است؛ در سمت شرق مسیر، مدرسه فرمان شیخ، مدرسه امیر چخماق، خانقاه و مزار تبادگانی و خانقاه سلطان آغا، در سمت مقابل آنها نیز به ترتیب؛ خانقاه ملک معزالدین، خانقاه سلطان خاتون، مدرسه و خانقاه امیرعلیکه کوکلتاش، مسجد جامع منجمه و مدرسه جامی قرار می‌گرفته‌اند.

ایوان عیدگاه هرات نیز که در انتهای فهرست ابنیه خیابان هرات به آن اشاره شده، جایگاه باغی در شمال جوی نو بوده که در زمان شاهرخ به شکل میدانی بازسازی شده است و ایوانی در ابتدای آن ساخته می‌شود. این بنا به‌عنوان نمازگاه عید اهالی هرات دارای اهمیت بوده و در زمان ابوسعید میرزا دوباره مرمت می‌شود (جیحانی و رضایی‌پور، ۱۳۹۶: ۴۵؛

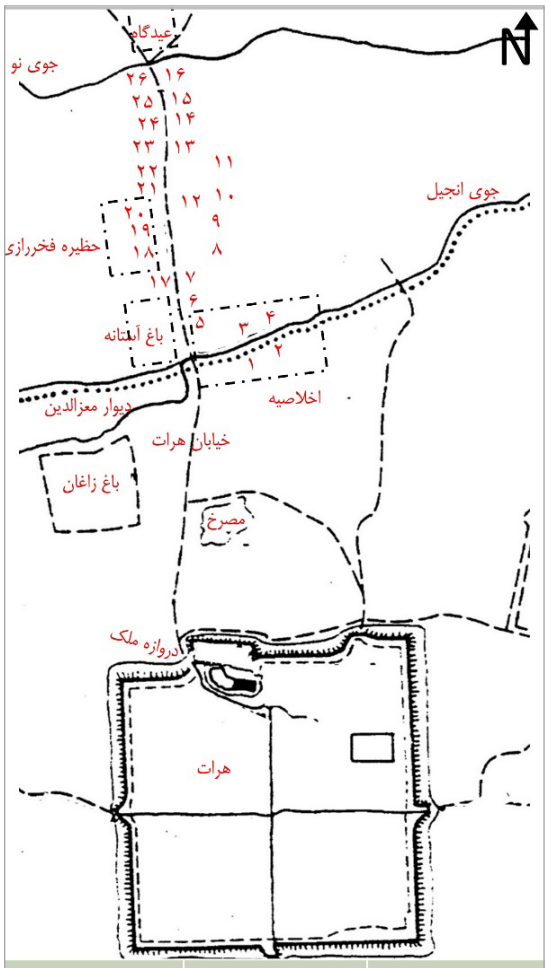

۱.حمام اخلاصیه	۲.خانقاه اخلاصیه	۳.بیمارستان
۴.مدرسه اخلاصیه	۵.مسجد اخلاصیه	۶.مدرسه بدیعیه
۷.حظیره بی بی محب	۸.حظیره پیرصدساله	۹.مقبره امیر آق بوقا
۱۰.مزار محی السته	۱۱.مزار بابا حسین	۱۲.مقبره فیروزه سلطان
۱۳. مدرسه امیرفرمان شیخ	۱۴.مدرسه امیر چخماق	۱۵.خانقاه تبادگانی
۱۶.خانقاه سلطان آغا	۱۷.حظیره چوگانچی	۱۸.مقبره یوسف حلاج
۱۹.مقبره لطف الله واعظ	۲۰.مقبره فخررازی	۲۱.مدرسه چهارمنار
۲۲.خانقاه ملک معز	۲۳.خانقاه سلطان خاتون	۲۴.مجموعه کوکلتاش
۲۵.مسجد منجمه	۲۶.مدرسه جامی	

تصویر ۴. جانمایی ابنیه و مقابر در محدوده خیابان هرات توسط نگارندگان (نقشه برگرفته از: Allen, ۱۹۸۳: ۹۴)

سمرقندی، ۱۳۷۲: ۸۶۱). درآیگاه ورودی این بنا در انتهای مسیر خیابان در جایی که مسیر به دو شاخه شرقی و غربی تقسیم می‌شده قرار می‌گرفته است (Allen, 1983: 94). در این قسمت، گزارش خواندمیر در مورد ابنیه راستای خیابان- مزار هرات به همراه شرح تحولات آن، تا انتهای دوران تیموری به پایان می‌رسد (تصویر ۴).

ارزیابی و مقایسه تطبیقی ویژگی‌های خیابان- مزار هرات با خیابان- مزارهای شاه‌زنده و دارالسیاده به منظور تبیین ویژگی‌های بنیادین خیابان- مزارهای عهد تیموری

بر مبنای تحلیل‌های ارائه‌شده از هر سه مجموعه مزاری در عهد تیموری، می‌توان ویژگی‌های کلی خیابان- مزارسازی در این دوره را تحت چهار شاخصه کلی دسته‌بندی کرد و بر اساس آن، شباهت‌ها و تفاوت‌های این سه مجموعه را بر مبنای این شاخصه‌ها بررسی نمود.

- قرارگیری مقابر در ترکیب با سایر ابنیه مذهبی: در مجموعه‌های خیابان- مزاری در عهد تیموری، اساس شکل‌گیری مجموعه‌ها، به صورت کلی بر مبنای استقرار ردیفی از ابنیه با کاربری مقبره بوده است. بر خلاف دو مجموعه شاه‌زنده و دارالسیاده که استقرار بنای مساجد، مدارس و خانقاه‌ها در طول مسیر آنها بسیار کم‌رنگ بوده، در خیابان- مزار هرات، این ابنیه مذهبی در حد ابتدایی و انتهایی مسیر در دو سوی خیابان و گاهی در میان مقابر مستقر شده و سبب ارتقای کاربری مذهبی مسیر شده‌اند.* استقرار مقبره در مقصوره بناهای مذهبی: بر خلاف مجموعه شاه‌زنده و در مشابهت با بنای مدرسه دارالسیاده که در قسمت مقصوره آن، مقابر پسران تیمور قرار داشته، در ابنیه مذهبی واقع در خیابان هرات، مانند مدرسه فرمان شیخ و مدرسه علیکه کوکلتاش نیز مقابر واقفین بنا استقرار داشته و این بناها دارای کاربری مرکب از مقبره و مدرسه و یا مقبره و مسجد و همین‌طور خانقاه و مقبره بوده‌اند.
- وجود یک حد انتهایی یا مقصد: در خیابان-مزار هرات مانند سایر خیابان- مزارهای عهد تیموری، ستون به‌هم‌پیوسته مقابر و ابنیه مذهبی به یک بنای مهم در انتهای مسیر ختم می‌شده است. بنای عیدگاه در انتهای مسیر خیابان- مزار هرات با اینکه مانند دو مجموعه دیگر کاربری مقبره نداشته است، اما اهمیت آن از نظر مذهبی بسیار بالا بوده و احداث درآیگاهی عظیم برای آن در زمان شاهرخ، مؤید اهمیت مکان استقرار آن در انتهای راه است.
- توجه به اصل نماسازی و بدنه‌سازی در طول مسیر خیابان- مزار: با اینکه از خیابان- مزار هرات اثر فیزیکی کاملی به‌دست نیامده است، اما با مقایسه اسناد باقی‌مانده از آن با دو خیابان- مزار هم‌عصر آن می‌توان فرض کرد که انتظام ابنیه، مقابر و درآیگاه حظایر در این خیابان- مزار، به مانند دو مجموعه شاه‌زنده و دارالسیاده به صورت پیوسته در دو سوی راه به دو شیوه جفت (در راستای یکدیگر) و قاش (در روبه‌روی یکدیگر) صورت گرفته و سبب ایجاد بدنه‌سازی منظم در دو سوی مسیر خیابان- مزار شده است. به دلیل حجم بسیار زیاد ابنیه در حد شمالی مسیر خیابان، بدنه‌سازی در دو سوی این ناحیه از مسیر باید بسیار هماهنگ‌تر از سایر قسمت‌ها بوده باشد.
- وحدت کاربری‌ها در بدنه خیابان- مزار: به مانند دو خیابان- مزار دیگر در عهد تیموری، تمامی ابنیه مستقر در طول خیابان- مزار هرات دارای وحدت کاربری بوده‌اند و در میان آنها ابنیه‌ای با کاربری غیرمذهبی که در لبه خیابان واقع باشد به چشم نمی‌خورد. همچنین در تمامی مجموعه‌های فوق، یک کاربری به بنای حمام اختصاص داشته که در دو مجموعه شاه‌زنده (Nasriddinov, 2006: 172-173) و دارالسیاده (Anarbaev et al, 2016: 52)، گزارش‌های باستان‌شناسی این حمام‌ها را به‌صراحت، حمام‌هایی آیینی عنوان داشته‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. مقایسه نوع کاربری‌ها و استقرارها میان سه مجموعه خیابان- مزار

نوع استقرارها و کاربری ها		خیابان هرات	دارالسیاده	شاه زنده
تفکیک کاربریها	مقبره	۴	نامشخص	۱۶
	مسجد	۲	۱	۲
	مدرسه	۷	۲	----
	خانقاه	۶	----	----
	حظیره	۴	----	----
	حمام	۱	۱	۱
	بیمارستان	۱	----	----
ترکیب بنای مقبره با کاربری دیگر	مسجد-مقبره	۲	----	----
	مدرسه-مقبره	۴	۲	----
	خانقاه-مقبره	۳	----	----
تعریف حد انتهایی برای مسیر خیابان-مزار		بنای عیدگاه	مدرسه دارالسیاده	مقبره قثم
انواع استقرار در طول مسیر	قاش سازی	دارد	دارد	دارد
	جفت سازی	دارد	دارد	دارد

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

خیابان مزار را می‌توان از گونه‌های شاخص مجموعه‌سازی در عهد تیموری برشمرد. در این نوع از مجموعه‌سازی، عموماً ابنیه مقابر در راستای محور یک گذر خصوصی و محفوظ که در انتها به یک مجموعه تدفینی و یا یک بنای مذهبی مهم ختم می‌شود، استقرار می‌یابند. تعریف کاربری‌های ابنیه در این نوع از مجموعه‌سازی، عمدتاً مشتمل بر بنای مقابر و بعضاً ابنیه مذهبی مانند مساجد و مدارس بوده است. در طول دوره تیموری، گورستان خیابان هرات که از قرن پنجم ه.ق. به‌عنوان منطقه‌ای تدفینی در حاشیه یک محور عبوری در حومه شمالی شهر مطرح بوده، به‌تدریج از شمایل یک گورستان حاشیه‌ای خارج شده و تحت الگوی استقراری خیابان- مزارها در عهد تیموری، به مهم‌ترین محور مذهبی هرات و منطقه خراسان تبدیل شده است. با اینکه طراحی خیابان هرات را می‌توان متأثر از الگوهای دو محور گورستانی دارالسیاده و شاه‌زنده دانست، اما به این دلیل که بر خلاف آنها در راستای یک مسیر عمومی در حومه شهر هرات تشکیل یافته، با آنها دارای تفاوت‌هایی است. یکی از این تفاوت‌ها، استقرار ابنیه‌ای غیر از بنای مقابر و مساجد است. در راستای خیابان هرات، بنای چندین مدرسه، خانقاه و حتی یک بیمارستان وجود داشته که نشان‌دهنده وجود فعالیت‌های مرتبط با زندگی شهری و گویای پویایی موجود در این محور است. در راستای یک الگوی تکرارپذیر، خیابان- مزارها در دوره تیموری معمولاً به یک بنای مهم مذهبی ختم می‌شده‌اند. بنای عیدگاه هرات نیز با قرار گرفتن در پایان ردیف مقابر و ابنیه خیابان هرات، در همین راستا احداث شده است. با

اینکه مسیرهای منشعب از خیابان بعد از عیدگاه نیز ادامه می‌یافته و حتی در دورتادور عیدگاه نیز انبوهی از مقابر و حظایر واقع می‌شده‌اند، اما انتظام مقابر و ابنیه در راستای خیابان هرات، تنها تا پیش از رسیدن به بنای عیدگاه هرات است که به صورت به‌هم‌پیوسته و منظم ادامه داشته است. این تحولات و خصایص سبب می‌شوند که خیابان هرات در اواخر عهد تیموری تبدیل به یک خیابان- مزار وسیع شود که در آن، گورستان و گذرگاه در ترکیب با یکدیگر، هم مقصد را تدارک می‌دیدند و هم امر کاربری مذهبی را پدیدار می‌ساختند. خیابان- مزار هرات از این نظر، یکی از کامل‌ترین محورهای گورستانی است که در قرون نهم و دهم هجری به‌عنوان یک الگوی پیشرفته به جهان فرهنگی ایران ارائه شده است. با اینکه خیابان- مزار را می‌توان با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، یکی از الگوهای مجموعه‌سازی در دوره تیموری معرفی کرد، اما ریشه‌های پیدایش این الگو و همچنین پیگیری ساخت آن در دوره‌های بعد، هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این مهم مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. قاش، کلمه‌ای ترکی به معنی قرینه است و به قرارگیری دو بنا در روبه‌روی یکدیگر در دو سمت یک مسیر یا محوطه گفته می‌شود. در مقابل آن، جفت‌سازی قرار دارد که به قرارگیری دو یا چند بنا در کنار هم در یک سمت راه گفته می‌شود(Manoev, 2016: 169).

۲. فکری سلجوقی (۱۳۴۳) در کتاب خیابان، به صورت مفصل به روند تحول نام گورستان خیابان از خدابان به خیادوان و سپس خیابان، با ارجاع به منابع تاریخی پرداخته است.

منابع و مآخذ

- افشار، ایرج (۱۳۷۴). **یادگارهای یزد**. چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- انصاری هروی، خواجه عبدالله (۱۳۸۶). **طبقات الصوفیه**. تصحیح محمد سرور مولایی، چاپ اول، تهران: توس.
- بلر، شیلا و بلوم، جاناتان (۱۳۸۳). **هنر و معماری در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانان و تیموریان**. ترجمه سید محمد موسوی هاشمی گلپایگانی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۸). **تاریخ بیهقی**. تصحیح محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، چاپ سوم، تهران: سخن.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۰). **نفحات‌الانس من حضرات القدس**. تصحیح محمود عابدی، چپ اول، تهران: اطلاعات.
- جیحانی، حمیدرضا و رضایی‌پور، مریم (۱۳۹۶). **منظر باغ**. چاپ اول، تهران: پژوهشکده فرهنگ.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین بن عبدالله خوافی (۱۳۴۹). **جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان هرات**. تصحیح نجیب مایل هروی، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام (۱۳۷۲). **مآثرالملوک: به ضمیمه خاتمه خلاصه‌الاخبار و قانون همایونی**. تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام (۱۳۷۸). **مکارم الاخلاق**. تصحیح محمد عشیق، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین (۱۳۳۸). **روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات**. تصحیح کاظم امام، چاپ اول، جلدهای اول و دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- سلجوقی، فکری (۱۳۴۳). **خیابان**. چاپ اول، کابل: انجمن جامی.
- سلجوقی، فکری (۱۳۸۶). **رساله مزارات هرات**. چاپ اول، هرات: احراری.
- سمرقندی، ابوطاهر (۱۳۶۷). **قندیه و سمریه دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند**. تصحیح ایرج افشار، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۷۲). **مجمع البحرین و مطلع السعدین**. تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صابر هروی، محمد محسن (۱۳۸۶). **باغ‌نامه هرات**. چاپ اول، مشهد: ملک اعظم.

- فامی هروی، عبدالرحمن (۱۳۸۷). **تاریخ هرات**. چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- گلمبک، لیزا و ویلبر، دونالد (۱۳۷۴). **معماری تیموری در ایران و توران**. ترجمه کرامت‌الله افسر و یوسف کیانی، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه (۱۳۸۵). **تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفا**. تصحیح جمشید کیان‌فر، چاپ دوم، جلدهای دهم و یازدهم، تهران: اساطیر.
- نوایی، امیرعلی شیر (۱۳۲۳). **مجالس النفائس**. تصحیح علی‌اصغر حکمت، چاپ اول، تهران: بانک ملی ایران.
- واعظ، اصیل‌الدین عبدالله (۱۳۸۶). **مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الامال الخاقانیه**. تصحیح نجیب مایل هروی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هروی، سیف ابن محمد بن یعقوب (۱۳۸۵). **تاریخ‌نامه هرات**. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). **ظفرنامه**. تصحیح سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی، چاپ اول، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس.

- Allen, T. (1983). **Timurid Herat**. Tubinger: Tubinger Atlas.
- Anarbaev, A.A.; Saidov, M.; Xushvaqov, N. & Sandiboev, A. (2016). Jahongir Mirzo Maqbarasi Hududida Olib Borilgan Arxeologik Dala Qidiruv Tadqiqotlari (Archaeological Field Survey in the Territory of Jahongir Mirzo Tomb). Archaeological Researches In Uzbekistan *2013-2014*, 10 (1), 51-54.
- Atahodjaev, OH. (2006). Raboty Shakhizindinskogo Otryada V 2004 G (Works of The Shahizindi Squad in 2004). *Archaeological Researches in Uzbekistan - 2004-2005*, 5 (1), 40-46.
- Bulatova, V.A. (1965). To The History of Composition of the Shah-I-Zinde Ensemble. **Collective from The History of the Era of Ulugbek**. Hayrapetyants, G. I. & Kayumova, D. (Eds.). Tashkent: Biruni. 256-273.
- Franke, U. (2015). Ancient Herat Revisited. New Data from Recent Archaeological Fieldwork. *Greater Khorasan. Berlin*, 29 (1), 63-241.
- Franke, U. & Urban, T. (2017). **Excavations and Explorations in Herat City**. Berlin: Staatliche Museen zu Berlin-Preußischer Kulturbesitz.
- Gammell, C.P.W. (2016). **The pearl of Khorasan a history of Herat**. London: Hurst & company.
- Golombek, L. (1969). **The Timurid shrine at Gazurgah**. Toronto: The Trusteed of the Royal Ontario Museum, University of Toronto press.
- Hillenbrand, R. (2005). The Timurid Achievement in Architecture. **A survey of Persian art from prehistoric time to the present**. Daneshvari. A. (Ed.). Costa Mesa: Mazda. 235-245.
- Kholmatov, N. Y. & Zhyrakulov M.Zh, (2003). O Rabotakh Na Yubileynykh Ob"Yektakh Shakhrisabza (About Works at Anniversary Objects of Shakhrisabz). *Archaeological Researches in Uzbekistan 2002s*, 3 (1), 185-188.
- Manoev, S. (2016). Some Issues of Formation of Architectural Ensembles in Uzbekistan.
- *International Journal of Innovative Science, Engineering & Technology*, 3 (4), 164-170.
- Masson, M. E. & Pugachenkova, G. A. (1978). Shakhri Syabz Pri Timure II Ulug Beke ("Shahr-I Sabz from Tīmūr to Ūlūgh Beg")—I. *Iran*, 16 (1), 103-126.
- Masson, M. E. & Pugachenkova, G. A. (1980). Shakhri Syabz Pri Timure II Ulug Beke ("Shahr-I Sabz from Tīmūr to Ūlūgh Beg")—II. *Iran*, 18 (1), 121-143.

- Nasriddinov, Sh. N. (2006). Banya Xv Veka U Ansamblya Shakhi-Zinda (Bath of The Xv Century at The Ensemble of Shahi-Zinda). *Archaeological Researches in Uzbekistan - 2004-2005*, 5 (1), 172-177.
- Nemtseva, N. B. (1969). Maloizuchennyy Mavzoley Iz Ansamblya Shakhi-Zinda (A Low-Explored Mausoleum from The Ensemble of Shakhi-Zinda). *Obshchestvennyye Nauki V Uzbekistane*, 8-9 (1), 43-50.
- Nemtseva, N. B.; Rogers, J. M. & Yāsīn, Ā. (1977). Istoki Kompozitsii i Etapy Formirovaniya Ansamblya Shakhi-Zinda ("The Origins and Architectural Development of the Shāh-i Zinde"). *Iran*, 15 (1), 51-73.
- Pugachenkova, G. A. (1976 a). **Termez, Shakhrisabz, Khiva**. Moscow: Publishing House Art.
- Pugachenkova, G. A. (1976 b). **Architecture of Central Asia in the XV**. Tashkent: Publishing House of Literature and Art. Gafur Gulyama.
- Pugachenkova, G. A & Rempel, L. I. (1965). **History of Arts of Uzbekistan**. Tashkent: Iskusstvo.
- Subtelny, M. E. (1991). A Timurid educational and charitable foundation: The Ikhlasiyya Complex of Ali Shir Navai in 15th-Century Herat and Its Endowment. *Journal of the American Society*, 3 (1), 38-61.
- URL 1: www.Google Earth Com (access date: 2020/11/05).